

# "تجدد از نگاهی دیگر"

اثر: حسین کچویان

معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ اول. 1383

تهیه خلاصه توسط: سید مرتضی هاشمی مدنی

"تجدد از نگاهی دیگر" کتابی است در 196 صفحه از حسین کچویان (استاد گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران). کچویان معتقد است این کتاب از مهم ترین کتب اوست و ایده های مرکزی او در باره تجدد در این کتاب مطرح شده اند. این کتاب "پیش در آمدی مجمل یا مقدمه ای ابتدایی" است بر آراء اریک وگلین (Eric Voegelin) متفکر آلمانی و "امهات و رؤس دیدگاه های این متفکر را بیان می کند". وگلین از آن دسته متفکرین معاصر است که بر علیه تجدد طغیان می کنند. هدف دیگری که کچویان بدان اشاره می کند این است که دیدگاه دیگری به تجدد را به خوانندگان معرفی کند که در آن تجدد "به عنوان شکل بدعت آمیزی از مسیحیت" در نظر گرفته می شود.

متن زیر در واقع خلاصه ای از کتاب نیست. به دلیل نحوه تدوین و فصل بندی کتاب، تهیه خلاصه ای از آن سخت است. متأسفانه این کتاب توسط ناشری نامعتبر منتشر شده است که این خود باعث شده کیفیت چاپ بسیار نازل باشد. همینطور باید اشاره کرد که این انتشارت در واقع برای توزیع کتاب فکری نکرده است! همه این مسائل دست به دست هم داد که نکاتی از کتاب که به نظر من، نکات اصلی آن هستند در قالب این متن آورده شوند. [لازم به تذکر است که این متن به تائید دکتر کچویان نرسیده است].

تهران. بهمن 1386

## 1. تاریخ:

از فلسفه تاریخ و گلین اینچنین برداشت می شود که: تاریخ امری فرای تجربه انسانی است. پس معنای تاریخ برای تجربه انسان غیر قابل دسترسی است و تمامی ایدئولوژی های تجدیدی که معنایی به تاریخ داده اند (مانند مارکسیسم) در واقع معنایی وهمی برای تاریخ جعل کرده اند. انسان تنها می تواند معنای تاریخ را از طریق وحی از خداوند بیاموزد، که او ابتدا و انتهای تاریخ را در پیش خود دارد. انسان (فیلسوف تاریخ)، تنها می تواند الگوهای تاریخ را کشف کند و این یعنی جستجو در صورت ها و هیئت تاریخ. بدین معنا از نظر وگلین موضوع تاریخ، انسان خاصی نیست یا قوم خاصی (مانند بنی اسرائیل) یا تمدن خاصی و یا روح مطلق (در معنای هگلی) بلکه موضوع تاریخ امری کلی تر است به نام "وجود". به معنای اینکه تمام آنچه اتفاق می افتد، رخدادی در نفس وجود است.

## 2. تجدد :

وگلین استدلال خود را برای شکل گیری تجدد (Modernity) اینگونه صورتبندی می کند که تاریخ آگاهی به سه دوره تقسیم می شود: دوره اول که همان دوره اسطوره ای و آگاهی اساطیری است، انسان و خدایگان با هم در جهان زندگی می کنند و دو قطب الوهی و این دنیایی در آمیخته اند. در دوره دوم که دوره پیامبران است، تجربه وجود تفصیل یافته (بسیط) برای انسان مکشوف می گردد و در دو نوع منبع آگاهی که فلسفه یونانی و دین می باشد، نمایان می شود. حال اینجا دو قطب الوهی و دنیایی از هم متمایز شده اند. انسان به موقعیت و ذات برزخی خود پی می برد و به تنش دو قطب مادی و الوهی تن می سپارد و این منشاء اضطرابی است که سراسر وجود و زندگی او را در بر می گیرد. اینجا جنبش اولیه غنوسیه ظاهر می شود که قطب این دنیایی را به نفع قطب الوهی حذف می کند (صوفی گری افراطی) اما با روی کار آمدن و جافتادن تفسیر اگوستینی مسیحیت در قرون وسطی این جنبش موقتاً حذف می شود. اگوستین شهر خدا و شهر انسان را از هم جدا می کند و این به اضطراب وجودشناختی دامن می زند. اما در پایان قرون وسطی با تضعیف این تفسیر و کلاً مسیحیت و ظهور پروتستانتیزم و لوتر، جنبش ثانویه غنوسیه به کمک منابع دیگری (مانند دیدگاههای هرمس) باز حاکمیت می یابد (=رنسانس). در این ظاهر جدید شهر انسان حالت خدایی می یابد (= الوهی سازی جهان) و صورتبندی اصلی این جنبش، "ایدئولوژی" نامگذاری می شود. اینها ایدئولوژی های این دنیایی را می سازند که نوید ساماندهی بهشت بر روی زمین را می دهد (مانند نازیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ...). حال با جنبش های هزاره ای و جنبش های اصلاح دینی، تکثر و تزلزل آراء در جامعه پدید می آید که دانشمندان را وادار به حل این مشکل می کند و چون امری متعالی مورد وفاق جامعه در اروپا نیست، کسانی مانند هابز، ماکیاوول و دانتو و ... امور مادی و قانون دنیایی و ... منشاء نظم می گردند.

الوهی سازی جهان همراه است با غلبه تفسیر "خود بنیادی تاریخ". به این معنا که هر اتوپیایی از دل تاریخ می جوشد و سازوکاری درونی دارد. تاریخ به عنوان مجموعه ای بسته و خودبسنده بدون دخالت ماوراء در نظر گرفته می شود. این باعث فلسفه تاریخ های تجدیدی می گردد و حذف تاریخ انبیاء. همچنین جامعه به عنوان امری خودبنیاد و مستقل، با ساز و کارهای درونی در نظر گرفته می شود که اگر این ساز و کارها شناخته شود می توان به جامعه تسلط داشت. پس جامعه شناسی با این "اراده معطوف به قدرت" به وجود می آید.

بحران تجدد در حیطه علم، علم گرایی و در حیطه جامعه، "ایدئولوژی" بود. بنیان اصلی کار کنت را کانت و هیوم گذاشته بودند که فهم دینی را بی اصالت یا توهمی نامیده بودند. علمگرایی تجدیدی، علوم ریاضی - فیزیکی را الگوی تمامی علوم خواند و مدعی این شد که می توان تمام هستی را بدین طریق شناخت (بوسیله علوم طبیعی) و هر چه که نمی شد بدین طریق شناخت را توهمی نامید.

## 3. اعاده :

و گلین نقطه شروع برای درمان تجدد را در علوم اجتماعی و بازسازی آن می داند. او طرحی به نام "اعاده" را سامان می دهد. دو منبع دانش اصیل در نظر او "دین" و "فلسفه کلاسیک" است. روح انسان باید به روی حقیقت خدا باز باشد تا حقیقت را دریابد. حقیقت انسان و خدا جدایی ناپذیرند پس در جامعه آرمانی و گلین "انسان معیار جامعه است اما خدا معیار روح انسان است."